

جایگاه وجودشناختی اسماء الهی

در عرفان نظری

رضا صفری کندسری^(۱)

چکیده

در عرفان، فقط حق وجود دارد و موجودات کثیر، تعینات و تجلیات او هستند. حال، مسئله اینست که اسماء - با پذیرش اصل وحدت وجود - در منظومه فکری عرفا از چه جایگاهی برخوردارند؟ آیا وجود دارند یا خیر؟ اگر وجود دارند، وجودشان چگونه است؟ و اگر وجود ندارند و عدمی هستند، عدمی بودن آنها به چه معناست؟

(مرتبه غیب) رجوع میکنند. در واقع اسماء، معدوم العین و موجود الاثرند.

کلیدواژگان: اسماء، مرتبه غیب، مرتبه شهادت، نسب، نسب علمی، نسب وجودی.

مقدمه

اسماء الهی^۱ یکی از مسائل مهم در قرآن، حدیث، فلسفه، کلام، عرفان و فقه است. در عرفان نظری، اسماء^۲ در هستی‌شناسی، جهان‌شناسی، انسان‌شناسی، راهنماشناسی (پیامبرشناسی) و معادشناسی، جایگاهی ویژه دارند. اسماء از دو جهت مورد بحث است: وجودشناسی و معرفت‌شناسی. در وجودشناسی، به هستی و تحقق اسماء الهی، رابطه اسماء و صفات، و نحوه تحقق آنها در جهان و رابطه اسماء و افعال، و اقسام اسماء پرداخته میشود. در معرفت‌شناسی، شناخت خداوند و کیفیت اطلاق اسماء و صفات بر خداوند و چگونگی معرفت انسان به اسماء و صفات بررسی میگردد.

در این نوشتار به بررسی وجودشناسانه اسماء الهی میپردازیم. بخش اول به تجلی حق در مراتب غیب و

اسماء الهی واسطه ظهور حق در مراتب غیب و شهادتند. اسماء در تعین اول (مرتبه غیب اول) با ذات حق وحدت دارند اما در تعین ثانی، با ظهور اعیان ثابت، ظهور علمی پیدا میکنند و نسبت اسماء و اعیان ثابت، در مرتبه غیب دوم آشکار میشود. در مرتبه شهادت، اسماء بر اساس استعداد اعیان ثابت به آنها وجود خارجی میبخشند و نسبت وجودی (اعیان خارج و اسماء فعل) ظهور می‌یابد. اما خود اسماء - از آنجا که ظهور وجودند - در خارج وجود مستقل ندارند بلکه از نسب وجودی هستند و بر اساس مظاهر (یک طرف نسبت)، ظهور خارجی دارند و هرگاه مظاهر، استعداد جزئی دریافت ظهور عینی را داشته باشند، اسماء (طرف دیگر نسبت) نیز ظاهر میشوند و اگر استعداد نباشد، اسماء به اصل خود

* تاریخ دریافت: ۹۹/۵/۱۵ تاریخ تأیید: ۹۹/۸/۱۰ نوع مقاله: پژوهشی

(۱). دانش‌آموخته دکتری فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران؛ rezasafari1984@yahoo.com

شهادت و ظهور اسماء و تعینات آنها، و بخش دوم به نحوه تحقق اسماء در مراتب غیب و شهادت و رابطه حق و اسماء، و رابطه اسماء و اعیان (ثابته و عینی) اختصاص یافته است.

با توجه به جستجو و بررسی نگارنده، بیشتر مقالات^۳، نگاه توصیفی به اسماء و صفات داشته‌اند اما مقاله حاضر در تلاش است که با بررسی تحلیلی، نگاه عارف به اسماء الهی را برجسته سازد.

۱. تجلی و ظهور در عرفان

حق از حیث هوهو (مرتبه ذات) و اطلاق ذاتی، وصف، حکم و نسبت (خواه سلبی و خواه ایجابی) به آن حمل نمیگردد (القونوی، ۱۴۱۶:ب؛ ۱۴۳؛ همو، ۱۳۹۳: ۲۰۴؛ ازنیقی، ۱۳۹۵: ۷۷). زیرا برای تحقق هر وصف، حکم و نسبتی، نیازمند دو طرف هستیم، در حالیکه حق در مرتبه ذاتی، ارتباط و مناسبتی با غیر ندارد (القونوی، ۱۳۹۳: ۲۰۴).

بنابراین حق برای ظهور، نیازمند تعین است و بر اساس مراتب تعینات، ظهورات و تجلیات دارد. حق در مرتبه خودش (صقع ربوبی) دارای دو تعین است و در ماسوا (خلق) نیز تعینات داشته و بر اساس استعداد تعینات، ظهورات دارد.

۱-۱. تعین و ظهور در مرتبه صقع ربوبی (جلاء)

تعین اول^۴: اولین تعین و اعتبار از ذات حق، وحدت حقیقی میباشد و از آنجا که نسبت به ظهور و بطون مساوی است، قابل اول نامیده میشود (الفرغانی، ۱۳۹۰: ۵۵/۱؛ الکاشانی، ۱۴۲۶: ۲۶۵/۱).

تعین اول جامع همه معانی کلی و جزئی، احکام و جوب و امکان^۵ و آثار فعل (تأثیر) و قبول (انفعال)^۶، عالم و معلوم است. در واقع در تعین اول – بر اساس

وحدت حقیقی – عالم، علم و معلوم، فاعل، فعل و قابل، امری واحدند (الفرغانی، ۱۳۹۰: ۴۴/۱ و ۱۴۲؛ الجندی، ۲۰۰۷: ۱۹۲-۱۹۱).

تجلی اول: هرگاه حق، معانی و حقایق مندرج در تعین اول را شهود ذاتی کرد، بر اساس تعین اول (که جامع همه تعینات و قابلیتات است) و وحدت حقیقی، به خودش و معانی و کمالات مندرج در تعین اول، علم (ذاتی و اجمالی) خواهد داشت^۷ و با این علم، شئون، اسماء ذاتی و مفاتیح غیب (در مرتبه احدیت) با تجلی اول ظهور پیدا میکنند (الکاشانی، ۱۴۲۶: ۱/۲۴۵؛ ابن ترکه، ۱۳۹۳: ۱۳۴).

تعین ثانی: هرگاه شئون و اسماء ذاتی مندرج در تعین اول با یکدیگر اجتماع کردند، از حق تعالی، خواستار ظهورشان در مرتبه علم هستند و با این اجتماع، تعین ثانی (قابل دوم) حاصل میشود (القونوی، ۲۰۰۷: ۱۷؛ القیصری، ۱۳۸۲: ۱۱۴۳/۲). تعین ثانی، قابلیت تحقق کمالات اسمائی را دارد (الفرغانی، ۱۳۹۰: ۵۵/۱).

تجلی ثانی: هرگاه تعین ثانی حاصل شد، حق، ذات و کمالات ذاتی خود را بگونه تفصیلی شهود میکند و با این شهود و بر اساس استعداد تعین ثانی، اسماء و اعیان ثابته با تجلی دوم (فیض اقدس) در مرتبه احدیت، ظهور علمی پیدا میکنند. بواسطه ظهور اسماء و اعیان ثابته، اولین کثرت (علمی) محقق میشود (الحیدری، ۱۴۳۶: ۱۷۴/۱؛ همو، ۱۴۴۰: ۴۹ و ۱۱۵؛ القونوی، ۱۳۹۳: ۱۵۵). مرتبه احدیت، واسطه (برزخ) میان احدیت و مظاهر خلقی است (نورالدین، ۲۰۰۵: ۴۶).

۱-۲. ظاهر الوجود و ظاهر العلم؛ ظهور احکام و جوب و احکام امکان

در مرتبه احدیت (تعین و تجلی اول) وحدت حقیقی

غالب است و هنوز تمایز وجود و علم آشکار نشده است و فقط حق وجود دارد که به ذات خودش عالم است و معلوم هم واحد و مجمل است (الفرغانی، ۱۳۹۰: ۵۳/۱ و ۷۱: ۲/۱۰۵۰). وحدت حقیقی را باطن اطلاق ظاهرالوجود مینامند، زیرا هنگامی که ذات واحد تجلی میکند، وجود آشکار و ظاهر میشود و همین وحدت حقیقی، علت ظهور احکام وجود علمی و عینی است (الکاشانی، ۱۴۲۶: ۲۲۷/۱: الحیدری، ۱۴۴۰: ۴۴-۴۳).

اما در مرتبه واحدیت (تعین و تجلی ثانی)، احکام^۸ وجوب (لازم ظاهرالوجود) و احکام امکان (لازم ظاهرالامکان) تفصیل علمی پیدا میکنند و تمایز (نسبی) وجود و علم^۹ ظاهر میشود و اسماء و اعیان ثابتة آشکار میگردند. همانگونه که در مرتبه احدیت، وحدت حقیقی^{۱۰} غالب بود، در مرتبه واحدیت، وحدت نسبی و کثرت نسبی^{۱۱} آشکار میشود (ابن ترکه، ۱۳۹۳: ۱۳۵؛ همو، ۱۳۷۸: ۱۲/۱؛ القونوی، ۱۳۹۳: ۱۵۸).

از آنجا که اسماء الهی ظهور وحدت حقیقی هستند، ظاهرالوجود^{۱۲} و احکامالوجوب نامیده میشوند اما هرگاه نسبت به اعیان ثابتة در نظر گرفته شوند، کثرت نسبی دارند. اعیان ثابتة ظهور علمند، و چون علم منشأ تمایز و تكثر است، پس، اعیان ثابتة، ظاهرالعلم و احکامالممکن و کثرت نامیده میشوند. اما اگر همین کثرات علمی نسبت به امر واحد (ظهور اسماء) در نظر گرفته شوند، وحدت نسبی خواهند داشت. در واقع، وحدت حقیقی و کثرت نسبی، وصف تجلی، و وحدت نسبی و کثرت حقیقی^{۱۳}، وصف تعین است (الکاشانی، ۱۴۲۶: ۳۳۹/۱-۳۴۰؛ المهائمی، ۲۰۰۸: ۶۲؛ الفرغانی، ۱۳۹۰: ۵۷/۱؛ الحیدری، ۱۴۳۶: ۱۹۱/۱؛ رضانی، ۱۴۳۲: ۱۲۸-

(۱۲۹).

بنابراین، حق تعالی بر اساس تعینات علمی، در مرتبه ربوبی ظهور دارد و احکام وجوبی (تجلی و اسماء) و احکام امکانی (تعین و اعیان ثابتة) آشکار میشود. ولی هنوز ظهور خارجی تحقق پیدا نکرده زیرا همین احکام^۴، قابلیت ظهور آثار را دارند که در تعینات خارجی ظهور پیدا میکنند.

۱- ۳. تعین و ظهور در مرتبه ماسوا (استجلاء)

همانگونه که گفتیم، حق در مرتبه غیب، دو تجلی دارد: تجلی اول و تجلی ثانی. هرگاه تجلی ثانی تحقق پیدا کرد، احکام وجوب (اسماء) و احکام امکان (اعیان ثابتة) تمیز و کثرت علمی پیدا میکنند. در واقع تجلی اول و تجلی دوم، تجلی علمی هستند اما احکام وجوب و امکان خواهان ظهور وجودی و عینی میباشند و مظاهری میخوانند که آثار و تعینات خود را آشکار سازند.

حق تعالی در مرتبه غیب، بالذات مشتمل بر احکام وجوب و امکان است اما در ماسوای حق، احکام وجوبی و امکانی باید با یکدیگر، ترکیب و فعل و انفعال معنوی و غالب و مغلوبیت داشته باشند تا ظهور وجودی پیدا کنند. در ظهور این آثار، فاعلها از آن احکام وجوب (ظاهر وجود) یا اسماء، و تعینات و تأثرات از آن احکام امکان (ظاهر علم) یا اعیان ثابتة است (القونوی، ۱۴۱۶: ۱۵۳؛ همو، ۱۴۱۶: الف: ۱۳۷).

هر کدام از مظاهر خلقی که حکم وحدت و بساطت در آن بیشتر باشد - از آنجایی که مظهر حکم وجوب است - آثار وجود، فعل و تأثیر در آن بیشتر، و احکام و تعینات امکان در آن کمتر میشود و هر مظهري که حکم کثرت و ترکیب در آن بیشتر باشد - چون مظهر

حکم امکان است - تعینات، قیودات، وسایط، قبول و تأثرات در آن بیشتر، و آثار وجود و وحدت در آن مخفی و کمتر خواهد بود (الکاشانی، ۱۴۲۶: ۷۲۱/۲؛ الفرغانی، ۱۳۹۰: ۱۴۴/۱ - ۱۴۳؛ ابن ترکه، ۱۳۹۳: ۱۸۴؛ القونوی، ۲۰۰۷: ۲۱؛ الحیدری، ۱۴۴۰: ۱۵۱).

هرگاه احکام و جوب و امکان، در مرتبه روحانیت با یکدیگر اجتماع پیدا کردند، عالم ارواح آشکار میشود. اجتماع ارواح به ذات خودشان بدون احکام مظاهرش در مرتبه طبیعت، موجب تعین عالم مثال میگردد و نتیجه اجتماع ارواح از حیث مظاهرشان (که متعین در عالم مثالند) در مرتبه طبیعت (جسم معقول)، باعث ظهور عالم اجسام (محسوس) میشود (القونوی، ۲۰۰۹: ۱۸۱ - ۱۸۰؛ ازنیقی، ۱۳۹۵: ۲۲۳).

انسان کامل - مرتبه ششم - از جهت ظاهر، مظهر عوالم سه گانه (حس، مثال و روح) و از حیث باطن، مظهر اسماء الهی است (ازنیقی، ۱۳۹۵: ۷۰؛ ابن عربی، ۲۰۰۹: ۱۴۸).

بر این اساس، مظاهر غیبی دارای دو مرتبه (احدیت و واحدیت) و مظاهر خلقی شامل سه مرتبه (روحانی، مثال و حس) است و انسان کامل مرتبه ششمی است که جامع مظاهر غیبی و خلقی است.

۱ - ۴. رابطه حق، اسماء و اعیان ثابتة و خارجی با وحدت و کثرت

اگر حق با وحدت حقیقی لحاظ شود، حق نامیده میشود و اگر با وحدت نسبی ملاحظه شود - بگونه‌یی که کثرات و ماهیات به یک وجود بازگردند - در دو موطن (غیب و شهادت) اسماء الهی است، و اگر به کثرت حقیقی منظور شود - جهت اتحادی نباشد - خلق، و اگر بصورت کثرت نسبی در نظر گرفته شود، اعیان ثابتة خوانده میشود. از سوی دیگر، اعیان ثابتة

- که خود تعددند - اگر به وحدت حقیقی نگریسته شوند، در دو موطن (غیب و شهادت) حقد و اگر به کثرت حقیقی ملاحظه شوند، در دو موطن (غیب و شهادت) خلق و مظاهر هستند. اگر به وحدت نسبی لحاظ شوند، در هر دو موطن، اسماء و احوال حق و اگر به کثرت نسبی در نظر گرفته شوند، در هر دو موطن اعیان ثابتة نامیده میشوند (الشیرازی النیریزی، ۱۴۳۰: ۷۹ - ۷۸).

۲. جایگاه وجودشناختی اسماء الهی

برای اینکه تصور درستی از جایگاه وجودشناختی اسماء الهی داشته باشیم، ناگزیر از بررسی نحوه ارتباط حق با ماسوا هستیم. حق تعالی از حیث ذات احدیتش (وحدت حقیقی) بینیا از ماسوا (کثرت حقیقی) است و میان حق و ماسوا تمایز ذاتی وجود دارد و از این حیث، بین آنها نسبت و تناسبی نیست و موجودی به ذات حق استناد پیدا نمیکند و بر این اساس نمیتوان صفت، اسم و حکمی را به حق نسبت داد (القونوی، ۱۳۹۳: ۲۵۸؛ همو، ۲۰۰۷: ۶۶؛ همو، ۲۰۰۵: ۱۸۷؛ ابن عربی، ۲۰۰۹: ۱۵۴؛ الکاشانی، ۱۴۲۶: ۱۵۲/۱ - ۱۵۱/۲) بلکه باید واسطه‌یی باشد تا ذات حق با ماسوا تناسب بیابد؛ آن واسطه را «مرتبه» میگویند. حق (وحدت حقیقی) و موجودات (کثرت حقیقی) در مرتبه با یکدیگر تناسب پیدا میکنند و نسبت شکل میگیرد.

هرچند از جهت ذات غیب، کثرتی در ذات احدیت متصور نیست اما از حیث واحدیت، کثرت نسبی (اسماء) دارد و این کثرت از امور اعتباری است که موجب تکثر در حقیقت حق نمیشود. از سوی دیگر، کثرت حقیقی (عالم ماسوا) نیز دارای وحدت نسبی (اعیان ثابتة) است. بنابراین حق واحد به

وحدت حقیقی، از طریق کثرت نسبی با اعیان خارجی (کثرت حقیقی) نسبت برقرار میکند و موجودات کثیر (به کثرت حقیقی)، بواسطه وحدت نسبی به حق واحد، استناد پیدا میکنند (القونوی، ۲۰۰۷: ۵۸ - ۵۹؛ ازنیقی، ۱۳۹۵: ۸۷ - ۸۶؛ الفناری، ۱۳۸۸: ۳۷۴؛ القونوی، ۲۰۰۵: ۹۳ - ۹۲) و نسبت را مرتبه مینامند. حق و خلق، در مرتبه با یکدیگر تلاقی میکنند و اوصاف پنهان هر کدام، ظهور می یابد و نتیجه (حکم یا اثر) آشکار میشود (القونوی، ۲۰۰۷: ۶۳).

۲ - ۱. اقسام مراتب

در تعیین اول، معانی، حقایق، احکام و آثار موجودات، بالقوه وجود دارد و حق برای ظهور، در مرتبه غیب و شهادت دو تجلی دارد و موجودات نیز دو نسبت (غیب و شهود) به حق دارند. همچنین مرتبه شهادت، مظهر مرتبه غیب (باطن) است.

— مرتبه غیب: در مرتبه غیب، دو تجلی (اول و ثانی) ظهور می یابد. در تجلی اول، اسماء و شئون ذاتی و در تجلی دوم، احکام و جوب (اسماء) و احکام امکان (اعیان ثابتة)، ظهور علمی پیدا میکنند. در واقع با تجلی ثانی، حق در مرتبه غیب شناخته میشود اما اسماء و اعیان ثابتة هنوز وجود خارجی ندارند و منشأ آثار، افعال و تعینات نیستند زیرا وجودی جدای از حق ندارند (غیرمجموع) و جعل به آنها تعلق نمیگیرد (ازنیقی، ۱۳۹۵: ۹۲؛ المہائمی، ۲۰۰۸: ۱۷۳ - ۱۷۲؛ النابلسی، ۲۰۰۸: ۱۵۶/۲؛ ابن ترکه، ۱۳۷۸: ۱۴/۱).

اسماء الهی کمالاتی دارند که با ظهور آثارشان در مجالی و محلهای حسی حاصل میشود و در واقع سلطنت اسماء آشکار میگردد. اعیان ثابتة نیز دارای کمالاتی هستند که فقط با وجود افاضه شده از حق

(اسماء) تحقق می یابد و تنوعات اعیان ثابتة در اعیان خارجی متنوع میشود (القونوی، ۲۰۰۵: ۸۸ و ۲۳۴).
— مرتبه شهادت: اسماء و اعیان ثابتة، آثار و تعیناتی دارند که با فعل و انفعال در مرتبه شهادت و حصول مزاج، در مرتبه شهادت ظهور میکنند (همو، ۲۰۰۷: ۲۰۸؛ همو، ۲۰۰۵: ۶۵) و با این ظهور، عالم روح، مثال و حس آشکار میشود (الفرغانی، ۱۳۹۰: ۱۷۳/۱ - ۱۷۴). در مرتبه شهادت، هر عالمی که مظهر احکام وجود باشد، آثار و جوب از آن آشکار میشود و عالمی که مظهر احکام عدم (اعیان ثابتة) باشد، تعینات و تأثرات امکانی از آن ظاهر میشود (ابن ترکه، ۱۳۷۸: ۹۴/۱).

۲ - ۲. اقسام اسماء

همانگونه که گفته شد، حق در مرتبه ذات احدیت، ارتباطی با ماسوا ندارد. برای ارتباط حق و خلق، نیازمند مراتب (غیب و شهادت) هستیم و در مرتبه غیب، تناسب و نسبت معنوی (غیبی) و در مرتبه شهادت، تناسب و نسبت ظاهری تحقق می یابد. در این تناسب، اسماء الهی ظاهر میشوند، در تناسب غیبی، اسماء ذاتی و صفاتی و در تناسب ظاهری، اسماء فعلی.

— اسماء ذات^{۱۵}: اسماء ذاتی در تعیین اول ظاهر میشوند و عین ذات (متعین) و بدون اعتبار زائد بر ذاتند، مانند الله، احد (الفرغانی، ۱۳۹۰: ۷۴/۱؛ الکاشاری، ۱۴۲۶: ۲/۳۹۴). در اسماء ذاتی، وحدت حقیقی آشکار میشود و وحدت عین ذات واحد است (القونوی، ۱۳۹۳: ۱۹۹). حکم اسماء ذاتی (مانند ذات احدیت) عام است؛ یعنی شامل صفات متقابل میشود و در قدیم، قدیم و در حادث، حادث، از یک جهت متناهی و از جهت دیگر نامتناهی هستند. این اسماء

(که حکمشان عام است)، گاهی حکم (در واحدیت) و اثرشان (در ماسوا) ظاهر میشود و گاهی ظاهر نمیشود؛ اگر ظاهر نشود، اسماء مستأثره نامیده میشوند (الفناری، ۱۳۸۸: ۲۸۰؛ ازنیقی، ۱۳۹۵: ۵۵-۵۴).

۲ - اسماء صفات^{۱۶}: اسماء صفاتی به اعتبار تعیین، زائد بر ذات (تعیین ثانی) است اما اثری از آن در مراتب کونی آشکار نمیشود؛ مانند عالم و مرید (الفرغانی، ۱۳۹۰: ۷۴/۱؛ الکاشانی، ۱۴۲۶: ۳۹۴/۲). حکم اسماء صفاتی (بدلیل تعلق به اعیان ثابت) عام نیست. در اسماء صفاتی نیز وحدت حاکم است اما وحدت، نعت (وصف) واحد است. بنابراین نوعی از تکثر معقول (وحدت نسبی) در آن وجود دارد (الفرغانی، ۱۳۹۰: ۴۷/۱ و ۲۸۰؛ ازنیقی، ۱۳۹۵: ۲۸۳).

۳ - اسماء افعال^{۱۷}: اسماء افعالی بواسطه تعیینات مرتبه شهادت (روح، مثال و حس) است و بواسطه آن اسماء صفاتی آثار و افعالشان را آشکار میسازند؛ مانند خالق، باری و مصور و بواسطه این تجلی، کثرت حقیقی بروز می یابد (الفرغانی، ۱۳۹۰: ۷۴/۱؛ القونوی، ۲۰۰۸: ۱۳۱؛ همو، ۱۳۹۳: ۲۰۰).

۲ - ۳. رابطه اسماء با اعیان ثابت و اعیان خارجی
حق دو ظهور دارد؛ ظهور علمی (در مرتبه غیب) و ظهور عینی (در مرتبه شهادت). در مرتبه احدیت، علم و وجود تمایز ندارند ولی در مرتبه واحدیت، اعیان ثابت و اسماء صفاتی، ظهور علمی و در مرتبه شهادت، اعیان خارجی و اسماء فعلی، ظهور عینی (وجودی) پیدا میکنند. در ادامه، به رابطه اسماء و اعیان در مرتبه غیب و شهادت میپردازیم.

۲ - ۳ - ۱. رابطه اسماء و اعیان ثابت
در مرتبه واحدیت، ابتدا اعیان ثابت ظهور علمی پیدا

میکنند، سپس اسماء صفاتی آشکار میشوند. به بیان دیگر، اعیان ثابت و استعداد آنها، اسماء صفاتی را متعین (به تعین علمی) میسازند و ظهور اسماء برای ذات حق، تابع ظهور اعیان (ثابت) برای ذات است (ازنیقی، ۱۳۹۵: ۴۶۲؛ الکاشانی، ۲۰۰۵: ۲۰۲؛ الجندی، ۲۰۰۷: ۴۹۵؛ الفناری، ۱۳۸۸: ۶۷۸)، چرا که بعد از ظهور وحدت حقیقی در تعین اول، ظهور وحدت نسبی (اعیان ثابت) بدلیل بساطتش^{۱۸}، بر کثرت نسبی (اسماء) مقدم است (الحیدری، ۱۴۳۶: ۱۹۱/۱).

۲ - ۳ - ۲. رابطه اسماء و اعیان خارجی

پس از اینکه اسماء صفاتی در ظهور علمی آشکار شدند، بر اساس استعداد اعیان ثابت (قابل)، این اسماء به آنها وجود خارجی (عینی) میبخشند و اسماء جنبه فاعلی و مؤثری پیدا میکنند و با این ظهور، اثر و فعل خارجی تعین و ظهور می یابد. همانگونه که در تجلی غیب، ظهور اسماء تابع ظهور اعیان ثابت بود، در مرتبه شهادت، ظهور اعیان خارجی و تعیینات آنها تابع اسماء صفاتی است (ازنیقی، ۴۶۲؛ ۱۳۹۵: الکاشانی، ۲۰۰۵: ۲۰۲؛ الجندی، ۲۰۰۷: ۴۹۵؛ الفناری، ۱۳۸۸: ۶۷۸).

عالم با مجموع آثارش، مظهر وجود بحت (احدیت) است. اما هر موجودی (اثر ظهور یافته) تعین و ظهوری دارد؛ تعین آن مظهر اعیان ثابت، و ظهورش مظهر اسم ویژه ای است و کمالات و سایر آثار مانند وجود، علم و قدرت به اسماء، و نقایص (مانند احتیاج و نیاز) به اصلش - اعیان ثابت - برمیگردند (بالی زاده، ۱۴۲۲: ۲۶۶؛ القونوی، ۲۰۰۵: ۸۳ و ۱۴۹؛ همو، ۱۴۲۵: ۲۱).

همانگونه که گذشت، حق بواسطه اسماء، مؤثر و

سبب حقیقی عالم است و اگر سببیت به مظاهر روحانی یا طبیعی نسبت داده شود، سببیت آنها از نوع علت‌های مُعده و زمینه‌ساز هستند (ابن عربی، ۱۴۲۵:۶۵؛ الفرغانی، ۱۳۹۰:۲/۹۹۷؛ ازنیقی، ۱۳۹۵:۲۶۴).

بنابراین، وجود، ذاتی موجودات (منسوب به وجود) ممکن نیست، بلکه عارض بر ذات ممکن و تجلی‌یی از تجلیات حق بواسطه اسماء است و آن اسم، سلطان و دولت آن موجود است که بهره و نصیب خود از حق را از طریق اسماء دریافت میکند و شناختش (به حق) نیز بوسیله اسم خاص است. اگر فیض و امداد اسماء، لحظه‌یی قطع شود، عالم یک مرتبه فانی و به عدم ذاتی (عدم در عین ثابت) خود برمیگردد (القونوی، ۲۰۰۷:۱۰۱-۹۹؛ همو، ۲۰۰۵:۳۴ و ۲۰۴).

۲-۴. اسماء، نسب هستند.

همانگونه که گفته شد، ارتباط مخلوقات (کثرت حقیقی) با حق (وحدت حقیقی) بواسطه نسبت (مرتبه) است و هر امری که در عالم خارج ظاهر میگردد، بواسطه مرتبه، به حق نسبت داده میشود. خود مرتبه^{۱۹} - که شامل کثرت نسبی (اسماء) و وحدت نسبی (اعیان ثابت) است - نسبت است و وجودی جدا از دو طرف نسبت ندارد و چون نسبت، تابع دو طرف است، هرگاه یکی از دو طرف نباشد، نسبت نیز تحقق نخواهد یافت (الکاشانی، ۱۳۸۳:۱۹۲؛ النابلسی، ۲۰۰۸:۱/۱۶۶؛ الفناری، ۱۳۸۸:۱۳۳؛ القونوی، ۲۰۰۵:۳۱). طرف حقی نسبت را اسماء و طرف خلقی (تعینی) را اعیان مینامند.

بنابراین، چون مرتبه، واسطه و برزخ میان خلق کثیر و حق واحد است، خودش در خارج دارای وجودی

مستقل نیست - هرچند همه آثار به مرتبه (نسبت) استناد داده میشود - بلکه همیشه در غیب (ظهور علمی) وجود دارد (القونوی، ۲۰۱۰:۱۹؛ همو، ۲۰۰۹:۱۲۷؛ بالی‌زاده، ۱۴۲۲:۳۰-۲۹).

در مرتبه علمی (غیبی)، نسبت (علمی) تابع اعیان ثابت و اسماء (صفات) است^{۲۰} و هر دو طرف نسبت، ظهور علمی دارند و اسماء و تعینات، ظهور باطنی دارند. اما در مرتبه خارج (شهادت)^{۲۱}، اسماء، وجودی جدا از مظاهر و تعینات خارجی ندارند و تحت اسم الظاهر هستند (الکاشانی، ۱۴۲۶:۱/۱۰۱-۱۰۰؛ ازنیقی، ۱۳۹۵:۸۳) و هرگاه در خارج، استعداد جزئی تحقق نیابد، اسماء، ظهور وجودی پیدا نمیکنند و موجودات ممکن به عدم ذاتی (اعیان ثابت) خود برمیگردند و اسم الباطن آشکار میشود.

برخی از محققان، علاوه بر اینکه اسماء الهی (بمعنای عرفانی) را موجودات عینی دانسته‌اند، اسماء را نیز در مقابل ذات، صفات و افعال قرار داده‌اند! (روحی، ۱۳۹۲:۱۲۹-۱۲۷) در نقد سخن آنها میتوان گفت: ذات حق مقید به هیچ قید و تعین (علمی و عینی) نیست اما برای ظهور نیازمند تعین است. در مرتبه غیب (اول)، از طریق تعین اول، ذات با تجلی ذاتی ظهور می‌یابد و اسماء و شئون ذاتی آشکار میشوند و در مرتبه غیب (ثانی) با تجلی ثانی، اسماء صفات و اعیان ثابت ظهور علمی پیدا میکنند و نسب علمی تحقق می‌یابد. در مرتبه خارج (عین)، با تجلی شهادت (فیض مقدس)، نسب وجودی تحقق یافته و از طریق نسب وجودی، آثار نسب علمی، ظهور خارجی پیدا میکند. بنابراین، ذات حق مقید به علم و عین نیست، اما در علم، علم و در عین، عین است و علم و عین مظاهر حقند. در مرتبه غیب (علم)، حق بواسطه اعیان ثابت، محدود میشود

و اسماء صفاتی ظهور علمی و در مرتبه شهادت، بواسطه اعیان خارجی محدود میشود و اسماء فعلی ظهور می یابد.

همچنین، در واقع فقط حق یکپارچه است و نسب حق. اسماء، صفات و افعال در مقابل حق نیستند بلکه ظهور حقند. در تعیین علمی (نسب علمی) اسماء و صفات، و در تعیین عینی (نسب وجودی) افعال آشکار میشوند. بنابراین، نسب علمی و نسب وجودی بدلیل ادراک انسان است که حقیقت را به غیب و شهادت تقسیم میکند، لیکن خود حق در برابر غیب و شهادت مساوی است. حق در غیب با اسم الباطن و در شهادت با اسم الظاهر، ظاهر میشود.

۲-۵. دو مثال

رابطه حق با مخلوقات بواسطه مرتبه (الوهیت^{۲۲} یا ربوبیت^{۲۳}) است و مرتبه، ظهور علمی در غیب دارد، اما در خارج، از طریق مظاهر مؤثر است و وجودی جدا از مظاهر ندارد.

نسبت مرتبه با ذات حق مانند نسبت پادشاهی با پادشاه، خلافت با خلیفه و پیامبری با پیامبر است. پادشاه، خلیفه و پیامبر، از حیث ذات انسانی بر کسی حکم نمیکنند - زیرا انسانیت وصف مشترک همه انسانهاست - بلکه از لحاظ مرتبه‌یی که در خارج وجود مستقل ندارد، حکمرانی دارند. بنابراین در مقام تحلیل، بین مرتبه (پادشاهی) و صاحب مرتبه (پادشاه) تفاوت است و از طرفی دیگر، مرتبه صورت زائد بر صاحب مرتبه ندارد (الناپلسی، ۲۰۰۸: ۲/ ۲۷۴-۲۷۳؛ القونوی، ۲۰۱۰: ۵۳؛ ازنیقی، ۱۳۹۵: ۳۲۹).

مثال دیگر، رابطه واحد، عدد و معدود است. واحد، عدد را بوجود می آورد و عدد، واحد را تفصیل

میدهد و حکم عدد از طریق معدود آشکار میشود. در این مثال، واحد (ذات حق) بواسطه مرتبه عدد (اسماء و صفات) معدود را در خارج آشکار میسازد. مرتبه (عدد) در خارج وجود ندارد (بلکه در ذهن است) اما واحد بواسطه آن منشأ اثر خارجی است (الناپلسی، ۲۰۰۸: ۱/ ۲۳۴-۲۳۳؛ ابن ترکه، ۱۳۷۸: ۱/ ۳۰۴؛ الجندی، ۲۰۰۷: ۲۷۹).

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در عرفان، حق ابتدا با وحدت حقیقی ظهور پیدا میکند و از آنجا که وحدت حقیقی با کثرت حقیقی نمیتواند تناسب داشته باشد، نیازمند واسطه هستیم و این واسطه متشکل از کثرت نسبی و وحدت نسبی است. واحد حقیقی بالقوه (در تعیین اول) حامل وحدت نسبی و کثرت نسبی است اما با تجلی دوم (فیض اقدس)، اسماء (بر اساس استعداد اعیان ثابت) ظهور علمی می یابد و نسبت علمی شکل میگیرد و یک طرف نسبت، اعیان ثابت (کثرت نسبی) و طرف دیگر آن اسماء (وحدت نسبی) هستند. اما اعیان ثابت و اسماء، هنوز تعیین و اثر خارجی ندارند و هر دو خواهان ظهور عینیند. حق بواسطه اسماء به اعیان ثابت، وجود عینی میبخشد و موجودات، تعیین خارجی (کثرت حقیقی) پیدا میکنند. در واقع، تعیین خارجی مظهر اعیان ثابت و وجود خارجی مظهر اسمانند. اسماء و اعیان ثابت هیچکدام دارای وجود خارجی مستقل نیستند بلکه هر دو در غیب (در تعیین اول، بگونه اجمال ظهور دارند و اسماء ذات - شئون - نامیده میشوند. در تعیین دوم، بگونه تفصیل ظهور دارند و اسماء و اعیان ثابت نامیده میشوند) ظهور علمی دارند و غیرمجموعول هستند و جعل بدانها تعلق نمیگیرد و همیشه در غیب ذات پنهانند و با

تجلی شهادت (فیض مقدس)، هر دو تعیین و ظهور عینی پیدا میکنند و نسبت وجودی شکل میگیرد. نسبت وجودی، مظهر نسبت علمی است و به وصف واحد در خارج وجود مستقل ندارد. اگر موجودات خارجی، استعداد دریافت وجود خارجی (تعیین و تجلی عینی) را داشته باشند، نسبت وجودی (اسماء فعل و اعیان خارجی) ظهور پیدا میکند و با نبود استعداد، احکام اسماء و اعیان به اصل خود (غیب) رجوع میکنند.

پی نوشتها

- اسماء و صفات در ادیان توحیدی و غیرتوحیدی مورد بحث قرار گرفته است؛ (ر.ک: شنکایی، ۱۳۹۷).
- در لغت عرب، اسم یا از ماده «وسم» گرفته شده که بمعنای علامت و نشانه است، یا از ماده «سمو» اخذ شده که بمعنای بلندی و رفعت است (ابن منظور، ۱۴۱۶: ۴۰۴/۱۴).
- مانند این مقالات: (صادقی، ۱۳۸۷)؛ (موسوی، ۱۳۹۶)؛ (عرفاتی، ۱۳۹۱)؛ (حسینی، ۱۳۹۱).
- تعیین و امتیاز حق به ذات خودش است، نه به تعیین زائد بر ذات. زیرا امری مغایر حق وجود ندارد (قیصری، ۱۳۸۲: ۳۱/۱).
- در مرتبه غیب.
- در مرتبه عین (شهادت).
- بعبارت دیگر، اتحاد علم، عالم و معلوم تحقق دارد (الشیرازی النیریزی، ۱۴۳۰: ۸۳؛ القونوی، ۲۰۰۷: ۱۲۵).
- در اصطلاح عرفان، حکم در ظهور علمی، بمعنای علم بترتیب موجودات و در ظهور وجودی، بمعنای علت است.
- در مرتبه غیب (مرتبه جلاء) وجود ظاهر است و علم، باطن، اما در مرتبه ماسوا (استجلاء) وجود باطن و علم، ظاهر است.
- وحدت حقیقی، وحدتی است که در مفهومش امری که دلالت بر تعدد وجوه شود، اعتبار نمیشود (ابن ترکه، ۱۳۹۳: ۳۹).
- وحدت حقیقی مقابل کثرت نیست بلکه شامل آن است.
- وحدت نسبی، وحدتی است که به امور متعدد - از حیث تعدد - منقسم نمیشود (در واقع انقسام، معنای عدمی دارد). کثرت نسبی در مقابل وحدت نسبی، بگونه‌یی است که به امور متعدد تقسیم میشود و انقسام معنای وجودی دارد (الشیرازی

النیریزی، ۱۴۳۰: ۱۸۶).

- اسماء ظاهر الوجود هستند اما نه از حیث هوهو، بلکه از حیث تقید و تعیین بمعنا یا صفتی (اعیان ثابتة یا اعیان خارجی)؛ (الکاشانی، ۱۴۲۶: ۱/۱۷۴).
- در عالم عین (خارج).
- حق تعالی از رهگذر اسماء و اعیان ثابتة در خارج، ظهور پیدا میکند نه از حیث ذات غیب الغیوبی.
- تناسب در مرتبه احدیت.
- تناسب در مرتبه واحدیت.
- تناسب در مرتبه کون و ماسوا.
- واحد (بسیط) در ظهور، بر کثیر تقدم دارد؛ (الحیدری، ۱۴۴۰: ۱۵۳).

- در مرتبه غیب (مرادمان غیب ثانی و تعیین ثانی است) نسبت - علمی - الوهیت (اسماء) و مألوهیت (اعیان ثابتة) ظاهر میشود.
- در مرتبه علمی، اسماء، در ظهور علمی تابع اعیان ثابتة هستند.
- در مرتبه شهادت، نسبت - وجودی - ربوبیت (اسماء) و ربوبیت (اعیان خارجی) ظاهر میشود و اعیان خارجی در ظهور وجودی تابع اسماء هستند.
- در ظهور علمی.
- در ظهور خارجی.

منابع

- ابن ترکه، صائن الدین (۱۳۷۸) شرح فصوص الحکم، تصحیح محسن بیدارفر، قم: بیدار.
- ابن عربی، محیی الدین (۱۴۲۵ق) فصوص الحکم، قاهره: مکتبة الثقافة الدینیة.
- — — — (۲۰۰۹م) انشاء الدوائر، تصحیح عاصم ابراهیم الکیالی و الحسینی الشاذلی الدرقاوی، بیروت: دارالکتب العلمیة.
- ابن منظور (۱۴۱۶ق) لسان العرب، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ازنیقی، محمد بن قطب الدین (۱۳۹۵) فتح مفتاح الغیب، تصحیح اکبر راشدی نیا، تهران: سخن.
- بالی زاده، مصطفی بن سلیمان (۱۴۲۲ق) شرح فصوص الحکم، تصحیح فادی اسعد نصیف، بیروت: دارالکتب العلمیة.

- بین صدرالدین القونوی و نصیرالدین الطوسی، تحقیق کودرون شوبرت، بیروت: النشرات الاسلامیه.
- (۱۴۲۵ق) شرح الشجرة النعمانية، تصحیح عاصم ابراهیم الکیالی و الحسینی الشاذلی الدرقاوی، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- (۲۰۰۵م) اعجاز البیان فی تفسیر امّ القرآن، تصحیح عاصم ابراهیم الکیالی و الحسینی الشاذلی الدرقاوی، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- (۲۰۰۷م) النفحات الالهیه، تحقیق احمد فرید المزیدی، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- (۲۰۰۸م) شرح الاسماء الحسنی، تصحیح قاسم الطهرانی، بیروت: دار و مكتبة الهلال.
- (۲۰۰۹م) شرح الاربعین حدیثاً، تصحیح قاسم الطهرانی، بیروت: دار و مكتبة الهلال.
- (۲۰۱۰م) مفتاح غیب الجمع والوجود، تصحیح عاصم ابراهیم الکیالی و الحسینی الشاذلی الدرقاوی، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- قیصری، محمد داود (۱۳۸۲) شرح فصوص الحکم، تصحیح حسن حسن زاده آملی، قم: بوستان کتاب.
- الکاشانی، عبدالرزاق (۱۳۸۳) شرح فصوص الحکم، تصحیح مجید هادی زاده، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- (۱۴۲۶ق) لطائف الإعلام فی إشارات أهل الإلهام، تصحیح احمد عبدالرحیم السایح، قاهره: مكتبة الثقافة الدینیة.
- (۲۰۰۵م) كشف الوجوه الغُربی فی معانی نظم الذُرّ، تحقیق احمد فرید المزیدی، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- موسوی گرمارودی، رؤیا؛ اسدی گرمارودی، محمد؛ فعالی، محمد تقی (۱۳۹۶) «اسماء الهی: کلیدهای سلوک عرفانی»، پژوهشنامه ادیان، شماره ۲۱، ص ۱۶۲ - ۱۴۹.
- المهائمی، علاءالدین علی بن احمد (۲۰۰۸م) مشرع الخصوص الی معانی النصوص، تصحیح احمد فرید المزیدی، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- النابلسی، عبدالغنی (۲۰۰۸م) جواهر النصوص فی حل کلمات الفصوص، تصحیح عاصم ابراهیم الکیالی و الحسینی الشاذلی الدرقاوی، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- نورالدین، السید عباس (۲۰۰۵م) مقدمات العرفان، بیروت: بیت الکاتب.
- (۱۳۹۳) التمهید فی شرح قواعد التوحید، تصحیح محمدرضا نکونام، اسلامشهر: صبح فردا.
- الجنیدی، مؤیدالدین (۲۰۰۷م) شرح فصوص الحکم، تصحیح عاصم ابراهیم الکیالی و الحسینی الشاذلی الدرقاوی، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- حسینی، اعظم (۱۳۹۱) «رابطه خدا و هستی از دیدگاه ابن عربی و شمس مغربی»، مجله ادبیات عرفانی، شماره ۷، ص ۲۳ - ۴۵.
- الحیدری، السید کمال (۱۴۳۶ق) شرح تمهید القواعد فی علم العرفان النظری، بغداد: مؤسسة الامام الجواد.
- (۱۴۴۰ق) دروس عرفانیه فی تحریر تمهید القواعد، بغداد: مؤسسة الامام الجواد.
- رمضانی الخراسانی، حسن (۱۴۳۲ق) التعليقات علی تمهید القواعد، بیروت: مؤسسه ام القرى.
- روحی برندق، کاوس (۱۳۹۲) «بررسی تحلیلی معنای اسم در علوم اسلامی عقلی و نقلی»، فصلنامه پژوهشهای فلسفی و کلامی دانشگاه قم، شماره ۵۸، ص ۱۴۰ - ۱۲۱.
- شنکایی، مرضیه (۱۳۹۷) بررسی تطبیقی اسمای الهی، تهران: سروش.
- الشیبزی النیریزی، السید شهاب الدین (۱۴۳۰ق) الحواشی علی تمهید القواعد، تصحیح وسام الخطاوی و محمد المهری السبزواری، قم: مؤسسه السیده المعصومه.
- صادقی، محمدامین (۱۳۸۷) «اسماء الهی از منظر امام خمینی»، مجله معرفت، شماره ۶۷، ص ۸۳ - ۷۸.
- عرفاتی، علی (۱۳۹۱) «جایگاه اسماء الهی در عرفان اسلامی از منظر ابن عربی و امام خمینی»، فصلنامه ادیان و عرفان، شماره ۳۱، ص ۲۴۷ - ۲۲۹.
- الفرغانی، سعیدالدین (۱۳۹۰) منتهی المدارک، تصحیح وسام الخطاوی، قم: آیت اشراق.
- الفناری، شمس الدین (۱۳۸۸) مصباح الانس بین المعقول و المشهود، تصحیح محمد خواجوی، تهران: مولی.
- القونوی، صدرالدین (۱۳۹۳) الفکوک، تصحیح محمد خواجوی، تهران: مولی.
- (۱۴۱۶ق/الف) المراسلات بین صدرالدین القونوی و نصیرالدین الطوسی، تحقیق کودرون شوبرت، بیروت: النشرات الاسلامیه.
- (۱۴۱۶ق/ب) الرسالة الهادیة، در: المراسلات